

مطالعه تطبیقی ضرر جمعی در نظام حقوقی فرانسه، آمریکا و ایران

ناهید صفری^۱ - بیژن حاجی عزیزی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۳/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۷/۱۸

چکیده

در مواردی که ضرر بر گروه یا دسته‌ای از اشخاص به‌طور جمعی و نامحدود وارد می‌شود به نحوی که هیچ‌کس به تنهایی نمی‌تواند خود را زیان‌دیده اصلی بداند، ضرر را جمعی یا گروهی گویند که نقطه مقابل ضرر شخصی است. در حقوق ایران ضررهای جمعی به صراحت پیش‌بینی نشده‌اند. با وجود این با توجه به قواعد عمومی مسئولیت مدنی باید از ضرورت جبران ضررهای جمعی دفاع نمود و نامحصور بودن زیان‌دیدگان نباید موجب از بین رفتن حق مطالبه خسارت شود در سایر نظام‌های حقوقی نیز ضرورت توجه به ضررهای جمعی مورد تأکید واقع شده است. مسئله اصلی که پذیرش این نوع ضررها را دشوار می‌سازد، تعیین کسی است که حق اقامه دعوا و مطالبه خسارت در این مورد داشته باشد. در نظام‌های مختلف حقوقی رویه‌های متفاوتی در این خصوص اتخاذ شده است. پذیرش نمایندگی برخی انجمن‌ها و سازمان‌ها و یا پذیرش امکان اقامه دعوا از طرف یکی از اشخاص متضرر به نمایندگی از دیگران از جمله این راهکارهاست. این تحقیق با مطالعه نظام حقوقی فرانسه، آمریکا و ایران، ضمن تبیین ضررهای جمعی، راهکارهای پذیرفته‌شده در این خصوص را مورد تحلیل و بررسی قرار داده است.

واژگان کلیدی: ضرر جمعی - ضرر شخصی - مسئولیت - ضرر معنوی - ضرر مادی.

مقدمه

ورود ضرر یکی از ارکان اساسی مسئولیت مدنی است. علی‌رغم آن که معمولاً ضرر بر اشخاص معین وارد می‌شود اما گاه خسارات به گونه‌ای است که به دشواری می‌توان زیان‌دیده آن را محدود به اشخاص معین دانست. محور اصلی مقاله حاضر بررسی این دسته از ضررهاست که تحت عنوان ضرر یا خسارات جمعی از آن یاد می‌شود. در واقع در ضررهای جمعی، ضرر بر شخص معینی وارد نمی‌شود، بلکه بر گروهی از اشخاص به‌طور جمعی وارد می‌شود و هیچ‌کس به تنهایی نمی‌تواند خود را زیان‌دیده اصلی بداند.

ضررهای جمعی و پیامدهای آن از جمله مسائل بحث‌برانگیز در حوزه مسئولیت مدنی است؛ زیرا در این نوع ضررها مسئله جبران خسارت با پیچیدگی‌هایی روبه‌رو است. به‌عنوان مثال هرگاه در اثر رفتار ناپسند یک وکیل یا پزشک، جامعه و کلا یا پزشکان بدنام شوند، اگرچه به شخص معینی ضرر وارد نشده ولی به‌طور غیرمستقیم به تمام افرادی که عضو این جمع محسوب می‌شوند، اهانت شده است. از این رو تعیین کسی که حق اقامه دعوا در این خصوص خواهد داشت، دشوار است. این پیچیدگی در خصوص گروه‌های فاقد شخصیت حقوقی نمود بیشتری دارد.

تمایز نمودن ضررهای شخصی از ضررهای جمعی، در عمل نیز واجد اهمیت است؛ زیرا زیان‌دیدگان این نوع ضررها معمولاً به دلیل ناتوانی در اثبات وقوع ضرر و گاهی ناچیز بودن ضرر واردشده، انگیزه کافی برای اقامه دعوا ندارند و حمایت قانونی در این خصوص ضرورت بیشتری دارد.

در حقوق ایران علی‌رغم عدم پیش‌بینی صریح این نوع ضررها در قوانین موضوعه، با توجه به قواعد عام مسئولیت مدنی ضرورت جبران این ضررها قابل توجیه است. با وجود این تعیین مرجع صالح برای اقامه دعوا با دشواری‌هایی روبه‌روست. در این خصوص به نظر می‌رسد تفکیک بین ضرر واردشده به گروه‌های دارای شخصیت حقوقی و گروه‌های فاقد شخصیت حقوقی راهگشا باشد.

مسئله‌ای که بررسی آن در ضررهای جمعی اهمیت دارد، این است که اساساً منظور از ضرر جمعی چیست و ویژگی‌های این نوع ضررها در مقایسه با ضررهای فردی و مبانی پذیرش این نوع ضررها کدامند؟ آیا چنین ضرری قابل مطالبه است و در صورت پذیرش چه



مقامی حق اقامه دعوی مطالبه خسارت دارد؟ جبران این نوع ضررها به چه نحو است؟ در این مقاله با تبیین مفهوم ضرر جمعی و تفاوت‌های آن با ضررهای فردی و توجه به مبانی پذیرش این نوع ضررها و با توجه به راهکارهای ارائه شده در سایر نظام‌های حقوقی، سعی در پاسخگویی به این سوالات خواهیم داشت. در مطالعه نظام‌های حقوقی نیز علاوه بر توجه به حقوق داخلی، یک نماینده از نظام حقوقی رومی-ژرمنی (فرانسه) و یک نماینده از حقوق کامن لا (آمریکا) مورد توجه قرار گرفته است.

۱- مفهوم و ویژگی‌های ضرر جمعی

اصولاً تا زمانی که ضرری وجود نداشته باشد، موضوعی برای جبران وجود ندارد. عموماً ضرر بر اشخاص محدود و معین وارد می‌شود، اما گاه نمی‌توان زیان‌دیده را محدود به اشخاص معین دانست. دسته اول تحت عنوان ضرر شخصی (فردی) و دسته دوم تحت عنوان ضرر جمعی مطرح هستند.

در حقوق ایران ضررهای جمعی در قوانین موضوعه پیش‌بینی نشده است. با وجود این حقوقدانان ایرانی تعاریف مختلفی از این نوع ضرر مطرح نموده‌اند. از دیدگاه برخی، ضرر هنگامی جمعی است که به‌طور مستقیم به جمع وارد می‌شود و شخص حقوقی که حافظ منافع جمع است به‌طور غیرمستقیم ضرر می‌بیند و از این رو می‌تواند جبران ضرر جمعی را درخواست کند.^۱ با توجه به اینکه ممکن است جمع یا گروهی که در معرض ضرر جمعی بوده، فاقد شخصیت حقوقی باشد، برخی دیگر از حقوقدانان اظهار نموده‌اند در مواردی که خسارت بر شخص حقیقی و حقوقی معینی به‌طور مشخص وارد نمی‌شود، بلکه بر گروه یا دسته‌ای از اشخاص به‌طور جمعی و نامحدود وارد می‌شود به‌نحوی که هیچ‌کس به‌تنهایی نمی‌تواند خود را زیان‌دیده اصلی بداند، خسارت را جمعی یا گروهی گویند.^۲ تعاریف کم‌وبیش مشابهی نیز از طرف سایر نویسندگان مطرح شده است.^۳

در حقوق فرانسه نیز نویسندگان فرانسوی تعاریف مشابهی در این خصوص مطرح نموده‌اند: ضرری که به یک گروه یا دسته وارد می‌شود بدون اینکه بتوان تشخیص داد یک

۱. صفایی، حسین و حبیب‌الله رحیمی، مسئولیت مدنی، (تهران: سمت، ۱۳۸۹). ص ۱۳۸.

۲. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، ج ۱، (تهران: انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۸۶). ص ۲۷۳.

۳. ژوردن، پاتریس، اصول مسئولیت مدنی، ترجمه مجید ادیب، (تهران: میزان، ۱۳۸۵) ص ۱۸۳.

نفر معین یا چند نفر از آن‌ها متضرر گردیده‌اند، ضرر جمعی است.^۱

در نظام حقوق آمریکا ضررهای جمعی تعریف نشده، بلکه دعاوی جمعی مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته است. اگرچه مشابهت‌هایی بین این دو مفهوم وجود دارد، اما دعاوی جمعی متفاوت از ضررهای جمعی هستند. در واقع دعاوی جمعی صرفاً یک راهکار شکلی هستند و در مواردی که به تعداد کثیری ضرر وارد شود، کاربرد دارند. این تعداد کثیر ممکن است واجد شرایط ضرر جمعی باشند یا نباشند؛ زیرا در ضرر جمعی به افراد به‌طور مستقیم ضرر وارد نمی‌شود و جمع اهمیت دارد. در حالی که دعاوی جمعی علاوه بر فرض اخیر، شامل مواردی هم هستند که به تعداد کثیری از افراد به‌صورت فردی ضرر وارد شود. در نتیجه برخلاف کشورهای حقوق رومی-ژرمنی مانند فرانسه که ضرر جمعی در کتب مسئولیت مدنی و در اقسام ضرر بحث شده، در حقوق کامن‌لا، این موضوعات در مباحث آیین دادرسی مدنی مطرح گردیده است. در بررسی نظام حقوق آمریکا به تفصیل در این‌باره سخن خواهیم گفت.

با توجه به تعاریف مطرح شده می‌توان مهم‌ترین عناصر و ویژگی‌های ضرر جمعی را در مقایسه با ضرر فردی احصا کرد:

۱-۱- تحقق ضرر جمعی منوط به وجود جمع یا گروه است.

این نوع ضرر به‌طور مستقیم به هیچ‌یک از اعضا وارد نمی‌شود. بلکه به‌طور مستقیم بر جمع وارد می‌شود. به‌عنوان مثال ضرری که به جامعه پزشکان بر اثر طبابت غیرقانونی یک شخص فاقد صلاحیت و یا ضرری که در نتیجه اعمال غیرقانونی و کیل بر جامعه و کلا وارد می‌شود، از این نوع به‌شمار می‌رود. البته همان‌طور که برخی نویسندگان حقوقی نیز اشاره کرده‌اند، باید توجه داشت منع درخواست ضرر از طرف اعضای گروه ناظر به‌صورت است که فرد نفع کافی در این مطالبه نداشته باشد؛ اما اگر این نفع محقق شود، عضو گروه نیز می‌تواند خسارت شخصی خود را مطالبه کند. منتها دادگاه باید ترتیبی اتخاذ کند که خسارت جبران شده بار دیگر از مسئول گرفته نشود و تعادل میان حق جمعی و فردی اعضا رعایت گردد.^۲

۱. لوراسا، میشل، مسئولیت مدنی، ترجمه محمد اشتری، (تهران: نشر حقوقدان، ۱۳۷۵)، ص ۱۰۸.

۲. کاتوزیان، ناصر، پیشین، ص ۲۷۳.



۲-۱- در ضررهای جمعی، زیان دیده اشخاص حقیقی هستند.

برخی حقوقدانان در گروه‌های دارای شخصیت حقوقی ضمن تفکیک بین نفع فردی، نفع گروهی شخصی و نفع گروهی جمعی بر این باورند که در این گروه‌ها نیز ضرر جمعی قابل تصور است.^۱

با وجود این، با توجه به تعاریف ارائه شده از ضرر جمعی، این دیدگاه مورد پذیرش نیست. برخلاف ضرر شخصی که ممکن است به شخص حقیقی و یا حقوقی زیان وارد آید، ضرر به شخص حقوقی ضرر جمعی تلقی نمی‌شود. در واقع در مواردی که شخص حقوقی در صدد مطالبه ضرر مادی یا معنوی وارد شده به خود است (نه ضرر مادی و یا معنوی وارد بر اعضای خود) ضرر مزبور در زمره ضررهای شخصی او محسوب می‌شود و نباید آن را ضرر جمعی دانست. در مواردی که به اعضای شخص حقوقی ضرر وارد می‌گردد نیز ضرر جمعی محقق نشده بلکه خسارت بر هریک از اعضای جمع به طور مستقل وارد شده و به نسبت هریک جداگانه قابل مطالبه است.^۲ در مباحث بعد اشاره خواهد شد اگرچه داشتن شخصیت حقوقی جمع می‌تواند از شرایط قابلیت مطالبه ضرر جمعی باشد، اما شرط تحقق ضرر جمعی نیست.

۳-۱- ضرر وارد شده در ضررهای جمعی معمولاً ضرر معنوی است.

برخلاف ضررهای شخصی که امکان دارد جبران خسارات مادی یا معنوی مطرح باشد، در ضرر جمعی به ویژه در مورد انجمن‌ها اغلب خسارت معنوی مطرح و اصولاً اقامه دعوا برای جبران ضرر معنوی است نه ضرر مادی.^۳ در این خصوص برخی حقوقدانان استدلال

۱. در این دیدگاه منظور از نفع فردی، نفعی است که متعلق به هر یک از افراد تشکیل دهنده گروه می‌باشد. مثلاً در سندیکای وکلای دادگستری یا پزشکان و مهندسان هر یک از اعضای این سندیکا از نفع فردی مورد حمایت قانون برخوردار است، به نحوی اگر نفع مزبور مورد تعدی قرار گیرد، فرد زیان دیده از حق دعوی شخصی علیه مسئول برخوردار است. منظور از منافع گروهی شخصی، نفعی است که به خود گروه مربوط است. مثلاً مالک مالی می‌شود و از فعالیت حرفه‌ای برخوردار است و مبادرت به عقد قرارداد می‌کند. چنانچه به یکی از منافع او که از این قسم است خدشه وارد شود، سندیکا به عنوان شخص حقوقی، زیان دیده خواهد بود. منافع گروهی جمعی منافعی است که به شخص حقوقی به اعتبار انتساب به حرفه‌ای خاص برخوردار است. در واقع قانون این امکان را به سندیکا داده است که به عنوان یک شخص حقوقی از منافع عمومی مربوط به حرفه خاص خود دفاع کرده و به هر کسی که منافع مزبور را در معرض خطر قرار دهد، مراجعه کند. حتی اگر در این راستا از نفع شخصی نیز برخوردار نباشد. سنهوری، عبدالرزاق احمد، دوره حقوق تعهدات، ترجمه مهدی دادمرزی و محمدحسین دانش کیا، ج ۲، (قم: انتشارات دانشگاه قم، ۱۳۸۴). ص ۱۴۳.

۲. سلطانی نژاد، هدایت الله، «بررسی تطبیقی جبران زیان جمعی در نظام حقوقی کامن لو و فرانسه و ایران»، پژوهش حقوق تطبیقی، شماره ۱، (۱۳۹۵). ص ۱۰۸.

۳. صفایی، حسین، پیشین، ص ۱۳۷.

نموده‌اند که برای مال، محل و مستقر لازم است، درحالی‌که در این نوع ضرر معلوم نیست که خواننده باید به نفع چه کسی پرداخت کند. به‌عنوان مثال با هتک حیثیت جامعه و کلا، نه تک تک و کیلان و نه خود کانون و کلا متضررند. درحالی‌که در ضرر معنوی امکان استقرار وجود دارد^۱ و می‌توان صحبت از ضرر معنوی و کلا در این فرض نمود. باوجوداین باید این نظر را به این نحو تعدیل کرد، اگرچه در بسیاری از موارد در ضررهای جمعی، خسارت معنوی مطرح است، اما امکان ورود ضرر مادی جمعی نیز منتفی نیست. مصداق بارز ضرر مادی جمعی، خسارت زیست‌محیطی است که بدون ورود ضرر به شخص خاصی، صرفاً به سلامت محیط‌زیست خسارت وارد می‌شود. در خصوص نحوه جبران این نوع ضررها در مباحث آتی سخن خواهیم گفت.

۴-۱- **ضررهای جمعی اصولاً به‌صورت یکسان و مساوی بر اشخاص متضرر وارد می‌شوند.** در ضررهای جمعی، اصولاً خسارت واردشده بر اعضای متضرر گروه (اعم از اینکه واجد شخصیت حقوقی باشند و یا خیر) یکسان است و ضرر یکی بر دیگری فزونی ندارد. درحالی‌که در ضرر شخصی وارد بر افراد متعدد ممکن است برخی از افرادی ضرر بیشتری را نسبت به دیگران متحمل شوند. برخی حقوقدانان معتقدند اگر ضرر یکی از اعضای گروه بیشتر از دیگران باشد، نسبت به مازاد ضرر جمعی صدق نمی‌کند.^۲ اگرچه اصولاً خسارت واردشده بر اعضای متضرر گروه یکسان است اما پذیرش کامل دیدگاه اخیر عاری از انتقاد نخواهد بود؛ زیرا به‌عنوان مثال در ضررهای معنوی، متناسب با اعتبار و شخصیت یک فرد در گروه، ضرری که متوجه افراد می‌شود، ممکن است متفاوت باشد. مثلاً چگونه می‌توان ضرر وارده شده به یک وکیل یا پزشک خوشنام را با ضرر یک وکیل یا پزشک فاقد چنین ویژگی یکسان دانست.

۲- مبانی پذیرش ضررهای جمعی

مسئله جبران ضررهای جمعی اهمیت فراوانی دارد. معمولاً چنین ضررهایی در سطح کلان

۱. سنهوری، عبدالرزاق احمد، پیشین، ص ۱۴۵.

۲. سلطانی نژاد، هدایت الله، پیشین، ص ۱۰۷.



مطرح است و اکثریت عاملان ضرر اشخاص قدرتمند هستند و حتی ممکن است دولت، خود پدیدآورنده ضرر جمعی باشد. این مسئله به ویژه در بحث حمایت از حقوق مصرف کننده و حقوق محیط زیست مطرح است.

در بسیاری از موارد مصرف کنندگان خواه به علت عدم آگاهی و خواه به دلیل پرهزینه بودن دعوا، برای مطالبه جبران صدمات مزبور، در موقعیت ضعیفی قرار دارند و معمولاً انگیزه لازم برای اقامه دعوا ندارند.^۱

در اغلب دعاوی زیست محیطی به عنوان یکی از مصادیق بارز این نوع ضررها، یکی از نگرانی‌های جامعه جهانی، تعیین اشخاص ذینفع برای طرح دعواست.^۲ از این رو محدود کردن خود به همان مفاهیم سنتی، جبران حاصل از این نوع ضررها را تحت تأثیر قرار داده و قادر به تحقق اهداف این حوزه نخواهد بود، بنابراین یافتن مبانی مناسب برای توجیه این نوع ضررها واجد اهمیت است. یکی از اصلی ترین موضوعات در این خصوص توجه به مفهوم حق است. درک مبانی ضررهای جمعی، نیازمند درک و دریافت مفهوم حق و نسل‌های حق است. در واقع پیدایش مصادیق جدیدی از حق در جامعه مدرن امروزی، ضرورت توجه به نوع دیگری از حق را در کنار حق فردی را مطرح کرده است. از این حق به عنوان حق نسل سوم یا جمعی و گروهی یاد می شود. پذیرش و شناسایی این نوع از حق می تواند در پذیرش ضررهای جمعی مؤثر باشد.

محتوا و مصادیق حقوق بشر در قالب نسل‌های حق بیان شده، علاوه بر حق نسل اول و دوم

۱. به عنوان مثال تحقیقات صورت گرفته از حدود ۱۶۰۰۰ مصرف کننده اروپایی در پانزده دولت عضو مؤید این مسئله است که بیش از شصت درصد از اشخاص اعلام کردند که در صورتی که با سایر مصرف کنندگان همراه شوند حاضر به مطالبه خساراتی که در اثر مصرف یک کالا بدان‌ها وارد می شود، خواهند بود. در تحقیقی دیگر در ۲۵ کشور عضو، ۷۴ درصد از کسانی که مورد تحقیق قرار گرفتند، بیان کرده اند که در صورتی که با افراد دیگر همراه شوند تمایل بیشتری بر دفاع از حقوق خود خواهند داشت. در نتیجه پذیرش طرح دعاوی مصرف کنندگان به صورت جمعی، امکان حمایت بیشتر از مصرف کنندگان را فراهم خواهد شد.

Mattil, Peter & Desoutter, Vanessa, Class action in Europe: Comparative Law and EC law considerations, Butterworths Journal of International Banking and Financial Law(2008)p.4 -Stuyck Jules et al.An Analysis and Evaluation of Alternative Means of Consumer Redress Other than Redress through Ordinary Judicial Proceedings, Final Report. The Study Centre for Consumer Law – Centre for European Economic law,2007p.263.

۲. رضائی قوام آبادی، محمدحسین، جواد منش، «مطالعه تطبیقی گستره مفهوم ذینفع در اقامه دعاوی زیست محیطی در حقوق ایران و اتحادیه اروپا»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، شماره ۶ (۱۳۹۵) ص ۹۷۸.

(حقوق مدنی - سیاسی و حقوق اقتصادی - اجتماعی) حق نسل سوم (حق‌های همبستگی) مطرح شده است که بر ادعای برادری و همبستگی بنا می‌شوند. این حقوق در پاسخ به کاستی‌های نسل اول و دوم به وجود آمد. تفاوت نسل سوم حقوق بشر با نسل اول و دوم در این است که نسل سوم هنوز به صورت اسناد حقوقی قراردادی درنیامده و تاکنون نتوانسته از اعتبار حقوقی الزام‌آور برخوردار گردد.^۱ همچنین درحالی که حق‌های نسل اول و دوم ماهیتی فردگرایانه دارند، حقوق متعلق به نسل سوم، حقوق مردم هستند و نه حقوق افراد.^۲ به عبارت دیگر حق‌های نسل اول و دوم فردی هستند، حال آن‌که حق‌های نسل سوم گروهی و جمعی‌اند که در پاسخ به تعاملات و وابستگی‌های متقابل جهانی شکل گرفته‌اند.^۳ سازمان یونسکو در سال ۱۹۷۸ حق بر توسعه، حق بر محیط‌زیست سالم، حق بر میراث مشترک، حق بر ارتباطات و حق بر صلح را از جمله مصداق‌های حق نسل سوم معرفی کرده است.^۴

در خصوص تعریف حق جمعی اختلاف نظرهایی دیده می‌شود. برخی از حقوق‌دانان، حقوق گروهی را مجموعه‌ای از حقوق فردی دانسته‌اند. برخی دیگر حقوق گروهی را حقوق متعلق به گروه و نه اعضای آن به‌طور جداگانه تعریف می‌کنند.^۵ همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در دیدگاه دوم حقوق گروهی استقلال بیشتری دارند و گروه دارنده حقوق و نه افراد به شمار می‌روند.^۶

حق جمعی از زمان طرح موافقان و مخالفانی داشته است. برخی اساساً انتساب عنوان حق بر حق جمعی را غیرممکن دانسته و حق را صرفاً متعلق به افراد می‌دانند و برخی نیز معتقدند نیازی به چنین حقوقی نیست و وقتی از حق فردی حمایت شود از حق گروه هم حمایت

۱. حبیبی، محمدحسین، «حق برخورداری از محیط‌زیست سالم به‌عنوان حق بشریت»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۶۰ (۱۳۸۲) ص ۱۳۵.

۲. قاری سید فاطمی، سید محمد، «تحلیل مفاهیم کلیدی حقوق بشر معاصر حق، تعهد، آزادی، برابری و عدالت» مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۳-۳۴ (۱۳۸۰) ص ۲۳۱.

۳. راسخ، محمد، فائزه عامری، «رویکرد نظری به مفهوم حق نسل سوم» پژوهش حقوق عمومی، شماره ۳۹ (۱۳۹۲) ص ۱۶۸.

۴. همان، ص ۱۷۱.

۵. Jones. Peter, Group Rights, Entry in the Stanford Encyclopedia of Philosophy (2008)

p.1.

۶. Carla Calvo Mañosa, «Group Rights and individual rights: Can they coexist? » Reseach Fellow, Report (2014)p.3.

خواهد شد.^۱ در دیدگاه‌های مطرح شده می‌توان جدال میان فردگرایی و جمع‌گرایی فلسفی را ملاحظه کرد. جمع‌گرایان تلاش می‌کنند از طریق شبیه‌سازی گروه به فرد از مفهوم حق نسل سوم دفاع کنند. به نظر آن‌ها نمی‌توان با این استدلال که گروه فاقد ویژگی‌های فرد است آن را از حق محروم کرد و بر این اساس، انتساب حق را منحصرأً به فرد بی‌معنا می‌دانند.^۲

یکی از ویژگی‌های حق جمعی غیرقابل تجزیه بودن آن است. در این نوع حق منافع اعضای گروه آن‌چنان به هم مربوط است که اعطای جبران به یک فرد به معنی جبران ضرر-های هر کدام از اعضای گروه است و زمانی که حق یکی از اعضای گروه مورد تجاوز قرار می‌گیرد، به معنی نقض حقوق کل گروه است؛ بنابراین زمانی که حق غیرقابل تجزیه باشد، محدود کردن جبران به اعضای خاصی از گروه، امکان‌پذیر نخواهد بود.^۳ به‌عنوان مثال، سلامت محیط‌زیست یک نفع عمومی است. اگر این سلامت در یک منطقه برای یک نفر تأمین شود ضرورتاً برای دیگران نیز تأمین شده است؛ بنابراین چنین موضوعاتی را نمی‌توان با دیدگاه سنتی حق توجیه کرد و حمایت از این حقوق مستلزم پذیرش حقوق جمعی است. به عبارت دیگر شناسایی حقوق جمعی را می‌توان یکی از مبانی پذیرش ضررهای جمعی دانست.

نگاهی به مفهوم حق در نظام‌های حقوقی مختلف به‌ویژه نظام حقوقی رومی-ژرمنی^۴ و حقوق ایران بیانگر آن است که یکی از مفاهیم اساسی، مفهوم حق فردی و شخصی یا حقی است که متعلق به شخص باشد. تعاریف حق حاکی از آن است که در این تعاریف همواره انتساب حق به شخص (فرد) مورد نظر بوده است. برخی فقها برای بیان رابطه شخص و حق آن را به ریسمانی تشبیه می‌کنند که میان حق و شخص کشیده شده و آن را به هم مربوط و متصل می‌کند. ریسمان به دست شخص است و همین که رها شود تعلق نیز از بین می‌رود.^۵ به نظر

۱. ibid, p.4-5.

۲. راسخ، محمد، پیشین، ص ۱۷۷.

۳. Gidi, Antoni, «Class Actions in Brazil—A Model for Civil Law Countries», American Journal of Comparative Law, Vol. 51 (2003) p.352-353.

۴. برای دیدن تعاریف مشابه مراجعه کنید به: کاتوزیان، ناصر، فلسفه حقوق، ج ۳، (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۰). ص ۴۲۹ و ۴۲۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۳، (تهران: گنج دانش، ۱۳۸۶). شماره ۱۷۲۲.

۵. مامقانی، ملاعبدالله بن محمد حسن، نه‌ایه‌المقال فی تکملة‌غایه‌الآمال، (قم: مجمع الذخائر الإسلامیة، ۱۳۵۰). ص ۳.



می‌رسد علت مخالفت با پذیرش حق جمعی نیز می‌تواند ناشی از وجود چنین قیدی در تعریف حق باشد؛ زیرا مطابق با چنین تعاریفی از حق، حقوق گروهی همانند منافع قانونی محیط‌زیست متعلق به کسی نیست و کسی نمی‌تواند آن را در دادگاه مطالبه کند. دیدگاه نویسنده گمانی که حق را به‌عنوان مجموعه‌ای از حقوق فردی و نه مستقل از آن مطرح کرده‌اند را می‌توان نتیجه چنین طرز تفکری دانست. در مقابل در برخی نظام‌های حقوقی علاوه بر حقوق فردی، حقوق گروهی و فرا فردی هم شناسایی شده است. به‌عنوان مثال پذیرش دعاوی جمعی در حقوق آمریکا به‌عنوان راهکار شکلی جهت حمایت از ضررهای جمعی را می‌توان نتیجه شناسایی چنین حقوقی به حساب آورد.

این مفهوم در تعریف نفع قانونی (مشروع)^۱ هم مشهود است. ذینفع بودن از شرایط اقامه دعوا در کشورهای تابع نظام حقوقی رومی-ژرمنی محسوب می‌شود. از شرایط نفع هم مشروع، قانونی و شخصی بودن آن است. منظور از قانونی بودن نفع این است که قانون باید از نفع حمایت کند. در حالی که در این نظام‌های حقوقی قانون نفعی را برای گروه‌ها شناسایی نکرده است. از طرفی شخصی بودن نفع به این معنی است که هر شخص فقط می‌تواند از جهت تضییع حقوق خود طرح دعوا کند و هیچ‌کس نمی‌تواند برای دفاع از منافع عمومی یا مطالبه حق دیگری اقامه دعوا نماید، مگر این که قانون صراحتاً چنین اختیاری به او داده باشد.^۲ این مفهوم نفع در حقوق ایران نیز وجود دارد و حقوق‌دانان در مقام بیان شرایط اقامه دعوا از نفع شخصی صحبت می‌کنند.^۳

در حال به نظر می‌رسد جامعه مدرن امروزی نیازمند پذیرش حق جمعی به‌عنوان حقی فراتر از حقوق فردی است و در تعریف حقوق گروهی یا فرا فردی باید مفاهیمی از حق را مورد تأیید قرار داد که حق فرا فردی را به‌عنوان موجودیتی مجزا از هر فرد یا گروهی از افراد پذیرفته‌اند.^۴ پذیرش چنین مفهومی از حق پذیرش ضررهای جمعی را نیز تسهیل می‌کند. در

۱. legitimate interest

۲. Gidi, Antoni, op.cit, P.345.

۳. شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، ج ۱، (تهران: داک، ۱۳۸۴) ص ۲۹۸. کریمی، عباس، آیین دادرسی مدنی، (تهران: مجد، ۱۳۸۶). ص ۷۶.

۴. مولودی، محمد، بیژن حاجی عزیزی و ناهید صفری، «مطالعه حقوق فرا فردی مبنایی برای دعاوی جمعی»، تحقیقات حقوقی، شماره ۷۵ (۱۳۹۵) ص ۲۸۵.



حقوق ایران نیز توجه به چنین مفاهیمی از حق می‌تواند در توجیه مشروعیت ضررهای جمعی مفید واقع شود.

۳- اقامه دعوا برای ضررهای جمعی

نظر به اینکه قربانیان ضرر جمعی از اعضای گروه و جمع هستند، مسئله اصلی در خصوص این ضررها تعیین کسی است که حق اقامه دعوا و مطالبه خسارت در این مورد داشته باشد. در این خصوص در نظام‌های حقوقی مختلف رویه‌های مختلفی اتخاذ شده است. در این مبحث موضع حقوق فرانسه به‌عنوان نماینده حقوق رومی-ژرمنی و حقوق آمریکا به‌عنوان مصداقی از حقوق کامن‌لا و همچنین حقوق ایران را مورد توجه قرار خواهیم داد.

۳-۱- حقوق فرانسه

در حقوق فرانسه اصولاً تشکل‌ها و انجمن‌هایی که از شخصیت حقوقی برخوردارند، می‌توانند همانند اشخاص حقیقی ادعای زیان شخصی و فردی را مطرح کنند؛ اما به لحاظ این که منافع جمعی شخص حقوقی با منافع فردی اعضای آن‌ها متفاوت است، در خصوص حق اقامه دعوای انجمن‌ها و مؤسسات به‌ویژه گروه‌های فاقد شخصیت حقوقی اختلاف نظرهای جدی وجود داشت. برخی نویسندگان حقوق فرانسه معتقدند پذیرفتن این خسارات پیچیده است. این پیچیدگی از آن جهت است که این دعاوی در شرایط خاصی مطرح می‌شوند. غالباً مستند شکایت، خسارت معنوی است و اغلب گروه‌هایی که اقامه دعوا می‌کنند می‌خواهند فاعل زیان به تأدیه خسارتی ناچیز محکوم شود. مثلاً یک فرانک غرامت نمادین می‌خواهند و معمولاً به جای دادگاه مدنی به دادگاه‌های کیفری مراجعه می‌کنند؛ بنابراین هدف آن‌ها بیشتر مجازات مقصر است تا اخذ غرامت. لذا این دعوا موجب انحراف مسئولیت مدنی از هدف اصلی آن می‌شود. هم‌چنین استدلال شده اتخاذ این روش که به نفع جمعیت‌ها است، در مورد لزوم وجود ضرر کاملاً ناموجه است؛ زیرا هیچ‌یک از اعضای جمعیت‌های مورد بحث نمی‌توانند به یک ضرر کاملاً مشخص استناد کنند؛ بنابراین منطقیاً صحیح نیست اجتماع خساراتی که هر یک از آن‌ها به‌طور انفرادی قابل مطالبه نیست، آن را به ضرر و زیان جمعی تبدیل کند.^۱

۱. لوراسا، میشل، پیشین، ص ۱۰۹. ژوردن، پاتریس، پیشین، ص ۱۹۵.



به نظر می‌رسد مبنای این اختلاف نظرها عدم پذیرش حق جمعی در این نظام‌های حقوقی باشد؛ زیرا با پذیرش چنین حقی، مبنای روشنی برای اقامه دعوا از طرف گروه وجود خواهد داشت و زمانی که حق جمعی به رسمیت شناخته شود اقامه دعوی جمعی نیز توجیه پذیر خواهد بود. تعاریف حق و مقررات مربوط به نفع در این نظام حقوقی این دیدگاه را تأیید می‌کند.^۱

چنین دیدگاهی قبل از تصویب قانون ۱۲ مارس ۱۹۲۰ حاکم بر این نظام حقوقی بود. نگرانی‌ها در خصوص لطمه زدن این دعوی به صلاحیت دادرها، سبب مخالفت یا اعمال محدودیت در رویه قضایی کیفری و هم چنین دیوان عالی کشور با دعوی جبران خسارت گروهی بود.^۲ پس از تصویب قانون ۱۲ مارس ۱۹۲۰ قانون‌گذار صریحاً چنین صلاحیتی را برای برخی تشکل‌ها و انجمن‌ها شناخته است.^۳ این صلاحیت نخست برای سندیکاهای حرفه‌ای که از منافع گروهی حرفه دفاع می‌کنند، پذیرفته شد و سپس به چندین انجمن صلاحیت قانونی اقامه دعوا اعطا شد. از جمله آن‌ها انجمن‌های مصرف‌کنندگان و هم چنین انجمن‌های ضد نژادپرستی و حمایت از محیط‌زیست است. با تصویب این قانون رویه قضایی خصوصاً دادگاه‌های تالی از سخت‌گیری قبلی خود دست کشیدند و حتی جنبش‌هایی به نفع انجمن‌هایی که فراتر از منافع اعضای خود، از منافع کلی‌تر دفاع می‌کنند، شکل گرفت. مؤسسات موسوم به «نوع‌دوست» که از اهداف بزرگ مانند مبارزه با نژادگرایی، الکلیسم و... دفاع می‌کنند، نتیجه چنین جنبش‌هایی است. در این موارد در صورتی که منافع جمعی آسیب‌دیده مرتبط با موضوع انجمن باشد، دعوی آن‌ها قابل قبول اعلام می‌شود. این مسئله باعث می‌شود زیان گروهی در حکم زیان شخصی آن تشکل تلقی شود.^۴ از سال ۱۹۷۳ حق دخالت در دعوی کیفری نیز به انجمن‌های مصرف‌کننده اعطا شد. البته در این موارد امکان اقامه دعوا در صورتی وجود دارد که جرائم به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به منافع جمعی که سازمان، مطابق اساسنامه خود در صدد دفاع از آن هست، ضرر وارد کند. در خصوص برخی از انجمن‌های مجاز، قانون، قلمرو حق اقامه دعوا را متناسب با

۱. برای مطالعه در خصوص مفهوم نفع شخصی و مستقیم رجوع کنید به کوشه، ژرالد، لانگلند، جان، لیو، دانیل. آیین دادرسی مدنی فرانسه، ترجمه احمدعلی هاشمی، (تهران: دادگستر، ۱۳۹۱). ص ۱۵۰-۱۵۲.

۲. ژوردن، پاتریس، پیشین، ص ۱۹۵.

۳. Guinchard, Serge, L'action de groupe en procedure civile française. (Revue Internationale de droit comparé. vol. 42 N°2, 1990). p.603.

۴. لورسا، میشل، پیشین، ص ۱۹۰. ژوردن، پاتریس، پیشین، ص ۱۹۶.

اهداف انجمن، محدود به جرائم خاصی کرده است.^۱ به عنوان مثال حق اقامه دعوا در مورد انجمن‌های حمایت از محیط‌زیست محدود به تجاوز کیفری به مقررات زیستی مربوط به حیاط وحش، محیط‌زیست، آب، هوا، خاک‌ها، مناظر طبیعی، آلودگی‌ها و...^۲ است. با وجود این در خصوص برخی از سازمان‌ها مانند اتحادیه‌های صنفی، انجمن‌های مصرف‌کننده و سرمایه‌گذاری، محدودیتی وجود ندارد.^۳ تنها پیش شرط این است که رفتار مجرمانه به منافع جمعی حمایت‌شده توسط آن انجمن آسیب بزند. از سال ۱۹۸۸ انجمن‌های حمایت از مصرف‌کننده اختیارات بیشتری یافتند. مطابق ماده ۷-۴۲۱ قانون مصرف‌کننده، زمانی که هیچ جرمی ارتکاب نیافته، سازمان‌های مصرف‌کننده، می‌توانند به دعاوی مطروحه در دادگاه‌های حقوقی وارد شده و درخواست قرار منع به منظور متوقف کردن تخلف ادعایی و خنثی کردن شروط ناعادلانه نمایند. آن‌ها هم چنین می‌توانند این جبران‌ها را از طریق طرح مستقیم دعوا در دادگاه‌های مدنی مطالبه کنند. به همین ترتیب به انجمن‌های سرمایه‌گذار نیز حق اقدام مستقیم در دادگاه مدنی به منظور متوقف کردن رفتار غیرقانونی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به منافع جمعی سرمایه‌گذاران آسیب زده، اعطاشده است.^۴

در حال حاضر دعوای منافع جمعی که در ماده ۴۲۱ قانون مصرف‌کننده پیش‌بینی شده، اجازه اقامه دعوا به سازمان‌های مصرف‌کننده برای مطالبه خسارات متحمل شده توسط گروهی از مصرف‌کنندگان را داده است. ویژگی منحصر به فرد این دعوا که آن را متفاوت از سایر دعاوی می‌سازد، این است که در این دعوا صرفاً ضررهای جمعی (نه ضررهای فردی) مصرف‌کنندگان جبران می‌شود.^۵

این سیر قانون‌گذاری و پذیرش دعوای منافع جمعی، بیانگر اهمیت موضوع ضررهای جمعی در این نظام حقوقی است. با وجود این در خصوص گروه‌هایی که قانون‌گذار چنین حقی را برای

۱. ماده ۱-۲ تا ۲-۲۰ قانون آیین دادرسی کیفری.

۲. ماده ۲-۱۴۲ قانون محیط‌زیست.

۳. ماده ۳-۲۱۳۲ قانون کار- ماده ۳-۴۲۲ قانون حمایت از مصرف‌کننده- ماده ۱-۴۲۵ قانون پولی و مالی.

۴. Sivignon, Jacques & Xavier. Nyssen, The International Comparative Legal Guide to Class and Group Actions, Global Legal Group(2009)p.89.

۵. Magnier, Véronique. Class Actions, Group Litigation & Other Forms of Collective Litigation, Protocol for National Reporters, France(2006).p5.-Cerutti, Guillaume & Guillaume, Marc. Rapport sur l'Action de Groupe(2005).P.22.

آن‌ها نشناخته است، این نوع خسارات قابل طرح نیست. ضمن اینکه امکان اقامه دعوا از طرف یک فرد به نمایندگی از سایر اعضا نیز در این نظام حقوقی امکان‌پذیر نیست و چنین دعاوی به علت فقدان سمت و عدم شناسایی نمایندگی افراد مورد پذیرش واقع نشده است.

باید خاطر نشان کرد در حقوق فرانسه تحت تأثیر تغییرات جهانی در سطح اتحادیه اروپا برای پذیرش دعاوی گروهی تلاش‌هایی صورت گرفت. برخی نویسندگان فرانسوی نیز با تأکید بر برخی مزایای غیر قابل انکار دعاوی جمعی در حقوق آمریکا، از آن دفاع کرده‌اند. البته بر ضرورت انطباق این دعاوی با برخی اصول اساسی نظام حقوقی فرانسه تأکید شده است.^۱ این تلاش‌ها موجب تصویب قانون جدید مصرف‌کننده فرانسه با عنوان قانون هامون در ۱۷ مارس ۲۰۱۴ شد. این قانون به نوعی دعاوی جمعی را در حوزه حقوق مصرف‌کننده وارد حقوق فرانسه کرده است. با وجود این، بررسی این قانون مؤید آن است این دعاوی را باید دعاوی نمایندگی دانست. به موجب این قانون سازمان‌های مصرف‌کننده می‌توانند برای ضررهای فردی متحمل شده توسط مصرف‌کنندگانی که در وضعیت مشابه یا یکسان هستند، مطالبه خسارت کنند. مطابق این قانون در مواردی امکان اقامه دعاوی گروهی از طرف سازمان‌ها برای مطالبه خسارت‌های فردی مصرف‌کنندگان وجود دارد که ثابت شود مصرف‌کنندگان به دلیل نقض تعهدات قراردادی یا قانونی در زمینه فروش کالا یا ارائه خدمات یا نقض قانون رقابت توسط همان خواننده در وضعیت مشابه یا یکسان قرار دارند. در سال ۲۰۱۶ با تصویب قانون سلامت^۲ اقدام مشابهی جهت پذیرش دعاوی جمعی در زمینه بهداشت و سلامت عمومی صورت گرفت.

در حال اگرچه این قوانین گام جدیدی در این نظام حقوقی تلقی شده، اما توجه آن به ضررهای فردی و نه ضررهای جمعی و محدود کردن امکان اقامه دعوا به سازمان‌های خاص از جمله سازمان مصرف‌کننده و پذیرش روش ورود محور،^۳ ضمن اینکه سبب فاصله گرفتن این دعاوی از دعاوی جمعی آمریکایی شده، قادر به تحت پوشش قرار دادن تمام ضررهای

۱. Ibid, p.28.

۲. Loi de santé.

۳. برخلاف روش خروج محور که تمام افراد به طور خودکار عضو گروه تلقی می‌شوند، در روش ورود محور اصولاً برای اینکه کسی عضو گروه باشد، باید وارد گروه شود.



جمعی هم نیست.

۳-۲- حقوق آمریکا

همان طور که در مباحث قبل اشاره شد، مفهوم و مصادیق ضررهای جمعی در حقوق آمریکا در مباحث آیین دادرسی مدنی و در قالب دعاوی جمعی طرح شده است. در یک دعوی جمعی، یک یا چند شخص که با عنوان خواهان یا خواهان‌های اصلی شناخته می‌شوند، به اصالت از جانب خود و به نیابت از سایر اشخاص گروه، اقدام به اقامه دعوا می‌کنند، البته این نیابت فرضی و قانونی است، زیرا در این دعاوی حتی اعضای گروه ممکن است از این دعوا مطلع نباشند. ادعاهای این اشخاص دارای جهات حکمی و موضوعی مشابهی با ادعای خواهان اصلی است؛ زیرا آن‌ها به جهت اعمال غیرقانونی واحد یا مشابهی که خواننده مرتکب شده، مدعی حقی می‌باشند که مورد درخواست خواهان اصلی نیز هست. از این رو در این دعاوی، فقط خواهان اصلی طرف دعوا محسوب می‌شوند و بیان هویت فردی اعضای گروه لازم نیست و صرفاً تحت عنوان زیان‌دیده از واقعه‌ای خاص، توصیف آن‌ها کافی است. در واقع پس از تعریف گروه، تمام کسانی که منطبق با تعریف گروه هستند، عضو گروه تلقی شده و رأی صادره در خصوص آن‌ها نیز لازم‌الاجرا است.^۱

بند الف ماده ۲۳ قانون آیین دادرسی مدنی فدرال، چهار شرط اصلی برای دعاوی جمعی مقرر کرده است. این چهار شرط با عناوین تعدد،^۲ اشتراک،^۳ نوعی بودن^۴ و شایستگی نماینده^۵ نماینده^۵ شناخته می‌شوند.

منظور از شرط تعدد اعضا این است که تعداد اعضای گروه به حدی زیاد است که اقامه دعوا به طور شخصی یا جداگانه غیرممکن یا غیرعملی به نظر برسد. دومین شرط ماده ۲۳ این است که دعوا دارای جهات حکمی و موضوعی باشد که برای گروه مشترک است. به عبارت دیگر دعوا باید به گونه‌ای باشد که دادگاه و هیئت منصفه در خصوص جهت

۱. مولودی، محمد، پیشین، ص ۲۷۶.

۲. Numerosity.

۳. Commonality.

۴. Typicality.

۵. Adequacy of representation.

موضوعی یا حکمی که نتیجه منطقی آن برای تمام اعضای گروه یکسان باشد، تصمیم‌گیری کند. سومین شرط تحت عنوان نوعی بودن یا شباهت یا شاخصیت مطرح می‌شود. مطابق این شرط لازم است که ادعا و دفاعیات خواهان نماینده مشابه ادعا و دفاعیات اعضای گروه و نمونه بارز و شاخص آن باشد. چهارمین شرط شایستگی نماینده است. در واقع لازم است که نماینده واجد شرایط لازم برای نمایندگی باشد.^۱

ویژگی منحصر به فرد دعاوی جمعی که پذیرش آن را در بسیاری از نظام‌های حقوقی با ایرادات ساختاری مواجه می‌کند، آثار دعاوی جمعی است؛ زیرا رای صادره در دعاوی جمعی تمام اعضای گروه را صرف نظر از مشارکت یا عدم مشارکت آن‌ها، ملزم می‌سازد و این رای نسبت به دعاوی آینده اعتبار امر قضاوت شده خواهد داشت.^۲ این اثر اگرچه با برخی اصول دادرسی مغایرت دارد اما یکی از دلایل حمایت از دعاوی جمعی، پتانسیل این دعاوی برای خاتمه دادن به تمام دعاوی است که می‌تواند ناشی از آسیب‌های جمعی ناشی از یک حادثه فاجعه‌آمیز، عیب تولیدات و ... باشد. تجربه نظام حقوقی آمریکا نیز مؤید آن است که این دعاوی نقش مهمی در زمینه حفظ حقوق مصرف‌کنندگان داشته‌اند.

۳-۳ حقوق ایران

در حقوق ایران برخلاف نظام حقوقی آمریکا که با شناسایی دعاوی جمعی، امکان اقامه دعوا به وسیله یکی از اعضای گروه به نمایندگی از افراد نامعین پیش‌بینی شده است، در ضررهای جمعی اشخاص حقیقی نمی‌توانند رأساً مطالبه جبران خسارت نمایند؛ زیرا این نحوه اقامه دعوا با هیچ‌یک از مصادیق نمایندگی در حقوق ایران قابل توجیه نیست. نمایندگی قانونی منوط به تصریح قانون‌گذار است که در این خصوص پیش‌بینی خاصی صورت نگرفته است. در نمایندگی قراردادی نیز اعطای نمایندگی از طرف خود افراد و با اراده آن‌ها انجام می‌شود، در حالی که در دعاوی جمعی، نماینده گروه به نوعی خود انتسابی است؛ بنابراین بحث اصلی در این خصوص، امکان اقامه دعوا از طرف تشکل‌ها و گروه‌هاست. با توجه به این که ممکن است زیان‌دیدگان از

۱. Anderson, Brian & Trask, Andrew. The Class Action Play book, (New York, oxford university press, 2010). p.27.

۲. Mulheron, Rachel. The Class Action in Common Law Legal System: A Comparative Perspective, (Oxford – Portland Oregon: Hart Publishing, 2004) p.3.

اعضای گروه‌های دارای شخصیت حقوقی و یا فاقد شخصیت حقوقی باشند، برای بررسی امکان جبران خسارت از طرف تشکل‌ها، ضررهای جمعی در دودسته قابل طرح هستند.

۱-۳-۳- ضرر جمعی به جمعی وارد می‌شود که دارای شخصیت حقوقی مستقل نیست:

ضرر وارده شده بر گروه‌های فاقد شخصیت حقوقی مانند دانشجویان، هنرمندان ممکن است مادی یا معنوی باشد. مصداق بارز ضرر مادی جمعی، خسارت زیست‌محیطی است که بدون ورود ضرر به شخص خاصی، صرفاً به سلامت محیط زیست خسارت وارد می‌شود. مصداق بارز ضرر معنوی را نیز می‌توان توهین به قشر خاصی مانند دانشجویان دانست. از دیدگاه حقوقدانان در چنین مواردی اقامه دعوی مطالبه خسارت مادی و معنوی امکان‌پذیر نیست.^۱

در این خصوص استدلال شده که در این فرض گروه، نمایندگی از ناحیه جمع برای اقامه دعوا ندارد. مگر آنکه اعضای این گروه‌ها بتوانند به تنهایی اثبات کنند که به‌طور مستقیم به شخص آن‌ها آسیب معنوی وارد شده که این امر به‌خصوص در رویه قضایی ما که از سابقه‌ای برخوردار نیست دشوار به نظر می‌رسد.^۲ هم‌چنین این استدلال مطرح است که جمعیت‌ها تا زمانی که از شخصیت حقوقی برخوردار نشده، فاقد ذمه مالی هستند و نمی‌توانند طرح دعوا نمایند یا طرف دعوا قرار گیرند و نمی‌توانند مسئولیتی را بر عهده بگیرند.^۳ به نظر می‌رسد در حقوق ایران با توجه به ضرورت احراز سمت در دادگاه و عدم پیش‌بینی چنین سمتی در قانون باید این نظریات را مورد تأیید قرار داد.

با وجود این باید توجه داشت فقدان شخصیت حقوقی جمع صرفاً مانعی در جهت مطالبه این ضررها از طرف گروه مذکور است و با توجه به قواعد عام مسئولیت مدنی که هیچ ضرری نباید جبران نشده باقی بماند و با توجه به قاعده لا ضرر نباید تردیدی در جبران این نوع ضررها داشته باشیم. به نظر می‌رسد باید راهکاری را که برخی حقوقدانان در این خصوص ارائه داده‌اند، تأیید کرد و در این فرض مقامات عمومی مانند دادستان، وزارت بهداشت، وزارت آموزش و پرورش یا به‌طور کلی هر نهاد قانونی که فعالیت جمعیت مزبور در

۱. کاتوزیان، ناصر، پیشین، ص ۲۷۳. باریکلو، علیرضا، مسئولیت مدنی (تهران: میزان، ۱۳۸۹). ص ۲۳۳. سلطانی نژاد، هدایت الله، مسئولیت مدنی-خسارت معنوی، (تهران: نورالثقلین، ۱۳۸۰). ص ۳۶۱.

۲. سلطانی نژاد، هدایت الله، پیشین، ص ۳۶۱.

۳. سنهوری، عبدالرزاق احمد، پیشین، ص ۱۴۵.



قلمرو سازمانی آن نهاد است، می‌توانند از دادگاه صالح به استناد حفظ اخلاق حسنه و امنیت شغلی یا حیثیت صنفی اشخاص آن جمع، خواهان قرار منع یا توقف انجام فعل زیان‌بار شوند؛ زیرا چنین ضرری در نهایت به جامعه وارد می‌شود و جامعه باید هزینه این‌گونه اعمال را پرداخت نماید.^۱ اگرچه در عمل در بسیاری از موارد دولت انگیزه لازم را جهت اقدام نخواهد داشت. به‌عنوان مثال در عرصه محیط‌زیست با توجه به اینکه اغلب اوقات خود دولت است که به تخریب و آلودگی محیط‌زیست دامن می‌زند، چنین انگیزه‌ای وجود ندارد و لذا این امر می‌تواند خلأیی در حمایت از حقوق افراد و جامعه در حقوق ایران تلقی شود. البته در سطح جهانی اقداماتی در این خصوص صورت گرفته است. به‌عنوان مثال در ماده ۱۸ سومین میثاق بین‌المللی مربوط به حقوق همبستگی سازمان ملل متحد و ماده ۹ کنوانسیون آرهوس حق مراجعه به مراجع قضایی را برای عموم در مسائل محیط‌زیستی شناسایی و تدابیری را برای تضمین این امکان پیش‌بینی می‌کند.^۲

۲-۳-۳- ضرر جمعی به جمعی وارد می‌شود که دارای شخصیت حقوقی مستقل است:
در برخی موارد ضرر بر گروه‌های دارای شخصیت حقوقی وارد می‌شود. این گروه‌ها خود انواع مختلفی دارند و در این خصوص لازم است که بین شخصیت حقوقی شرکت‌های تجاری، انجمن‌ها و اشخاص حقوق عمومی تفاوت قائل شد.

۱-۳-۳- ایراد خسارت معنوی به شرکت‌های تجاری و حق مطالبه خسارت
چنانچه شخصیت حقوقی از نوع شرکت‌های تجاری باشد، مدیرعامل می‌تواند برابر ماده ۲۵ اصلاحی قانون تجارت به نام شخصیت حقوقی جبران خسارت معنوی به شرکا را مطالبه کند و در این خصوص تردیدی وجود ندارد.

۲-۳-۳- ایراد خسارت معنوی به انجمن‌ها و مسئولیت ناشی از آن
در حق-وق ایران طبق ماده ۱ آیین‌نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و مؤسسات غیرتجاری

۱. باریکلو، علیرضا، پیشین، ص ۲۳۳.

۲. جهت مطالعه در این خصوص رجوع شود به: رضائی قوام‌آبادی، محمدحسین، «بررسی محتوای اصل مشارکت در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست»، پژوهش حقوق سیاست، شماره ۲۸ (۱۳۸۹).

مصوب ۱-۳۳۷ انجمن جمعیتی است که به طور مستمر و باشخصیت حقوقی برای وصول به غرض معین گردآمده باشد و مقاصد غیر بازرگانی داشته باشد. خواه مؤسسين آن قصد انتفاع هم داشته باشند یا خیر. در خصوص امکان مطالبه خسارت از طرف انجمن‌ها مسئله اصلی مورد بحث در این نوشتار، این است که آیا انجمن می‌تواند به منظور دفاع از منافع و اهداف اعضای خود یا منافع و اهداف جمعی آن‌ها اقدام دعوا کند.

برخی حقوقدانان در تائید امکان مطالبه خسارت این استدلال را مطرح نموده‌اند که هدف از تشکیل انجمن‌ها حمایت از منافع اخلاقی و معنوی اعضای آن است و همین منافع مشترک است که هدف انجمن و دارایی معنوی آن را تشکیل می‌دهد، به عنوان آورده هر عضو در جمع گذارده می‌شود و دفاع از آن به عهده انجمن است. پس اگر تهمت ناروایی به این جمع زده شود در واقع به هر یک از اعضای انجمن به مناسبت شرکت در آن جمع یا گروه است. صدمه‌ای به سرمایه و دارایی معنوی انجمن است که باید جبران شود و شخصیت حقوقی می‌تواند به این عنوان خسارت معنوی بخواهد.^۱ دیدگاه اخیر به ویژه در مورد انجمن‌های صنفی (سندیکا) صادق است؛ زیرا با تشکیل قانونی سندیکا و تصویب اساسنامه‌اش، شخص حقوقی نمایندگی ضمنی از جامعه دریافت می‌کند تا اقدام کنندگان علیه اهداف و اغراض مذکور در اساسنامه را تحت تعقیب قانونی قرار دهد.^۲

با وجود این همان‌طور که بسیاری از حقوقدانان اشاره کرده‌اند، تفکیک میان انجمن‌ها بر اساس هدف آن دیدگاه بهتری است. در واقع در هر مورد که دادگاه تشخیص دهد اقدامی به منافع اخلاقی و آرمان‌های گروهی به اجمال صدمه می‌رساند و انجمن تشکیل شده از آن گروه چنان سرمایه معنوی اندوخته است که لطمه به آن را بایستی صدمه به تمام اشخاص ذینفع دانست، انجمن مظهر جمع شناخته می‌شود و صلاحیت اقامه دعوا را دارد. برعکس هرگاه هیچ‌گونه ضرری به اعضای انجمن نرسد یا تشکیل انجمن به گونه‌ای نباشد که بتوان آن را مظهر جمع شناخت، گرفتن خسارت امکان ندارد. تشکیل چنین انجمنی وابسته به حدود و گسترش هدف آن است. برای مثال در مورد هدف عام و گسترده‌ای چون مبارزه با فساد

۱. کاتوزیان، ناصر، پیشین، ص ۲۷۴.

۲. پروین، فرهاد، خسارت معنوی در حقوق ایران (تهران: ققنوس، ۱۳۸۰)، ص ۷۰-۶۹.

اخلاقی که به عموم ارتباط پیدا می‌کند و در حدود صلاحیت‌های دولت است، هیچ انجمنی نمی‌تواند جانشین دولت شود مگر این که قانون چنین صلاحیتی را به آن اعطا کند. برعکس انجمن‌های صنفی که به گروه‌های محدودتر و آرمان‌های خاص‌تر محدود می‌شود حق دارد به عنوان جمع خسارت بخواهد.^۱

از مصداق مهم انجمن‌های صنفی در حقوق ایران می‌توان به کانون وکلا اشاره کرد. به موجب ماده ۱ لایحه قانونی استقلال کانون وکلا مصوب ۱۳۳۳ کانون وکلا یک تشکل صنفی دارای شخصیت حقوقی مستقل است. از آنجا که رفتار خلاف شئون وکالت وکیل علاوه بر صدمه حیثیتی به کانونی که وی عضویت آن را دارد، موجب بی‌اعتباری حرفه وکالت در جامعه و لزوماً ایراد صدمه معنوی به شخصیت تمام کسانی که دارای این حرفه هستند، می‌گردد، به نظر می‌رسد با توجه به شخصیت حقوقی کانون وکلا باید قائل بود که کانون وکلا می‌تواند به نمایندگی از جمع وکلا در مواردی که به حیثیت یا اعتبار آن‌ها آسیب وارد شود، طرح دعوا و مطالبه خسارت جمعی نماید.^۲ در رویه قضایی نیز آرای در تأیید این نظر دیده می‌شود.^۳ چنین حقی در برخی قوانین نیز^۴ برای برخی انجمن‌های صنفی دیگر از جمله سندیکاهای کارگری به رسمیت شناخته شده است.

قانون حمایت از مصرف‌کننده مصوب ۱۳۸۸ نیز با پیش‌بینی انجمن‌های حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان و باهدف تسهیل اقامه دعوا مصرف‌کنندگان متضرر علیه عرضه‌کنندگان، در این مسیر گام برداشته است.

۲-۳-۳- ایراد خسارت به اشخاص حقوق عمومی

در خصوص خسارات وارد شده بر اشخاص حقوق عمومی دو فرض قابل طرح است. گاه خسارت به منافع خصوصی شخصیت حقوقی وارد می‌شود و گاه به منافع اعضایی که شخص حقوقی نماینده آن‌هاست. در فرض اول طبیعی است که دولت یا سایر اشخاص حقوق عمومی

۱. کاتوزیان، ناصر، پیشین، ص ۲۷۵. پروین، فرهاد، پیشین، ص ۳۷۰. صفایی، حسین، پیشین، ص ۱۳۹.
 ۲. قهرمانی، نصرالله، مسئولیت مدنی وکیل دادگستری (تهران: نسل نیکان، ۱۳۸۴). ص ۲۸۲.
 ۳. دادنامه شماره ۱۳۳-۱۳۵۶/۱۲/۱۱-شعبه ۱۳ دادگاه استان.
 ۴. ماده ۱۳۱ ق. کار و بند اول ماده ۲۱ آیین‌نامه چگونگی تشکیل، حدود وظایف و اختیارات و چگونگی عملکرد انجمن‌های صنفی و کانون‌های مربوط (موضوع ماده (۱۳۱) قانون کار.



حق اقامه دعوا به عنوان مدعی خصوصی داشته باشند. در فرض دوم که مورد توجه این نوشتار است، اختلاف نظرهایی وجود دارد. در واقع مسئله این است که آیا سازمان‌های عمومی حق مطالبه خسارت وارده شده بر اعضای خود را دارند. برای مثال وزارت آموزش و پرورش می‌تواند خواستار جبران خسارت جامعه معلمان شود. در این خصوص برخی بر این باورند که این شخصیت‌ها تنها می‌توانند ضررهای وارده شده بر خود را مطالبه کنند و ضرر عمومی مربوط به اعضای آن از نظر اصول با قوانین کیفری جبران می‌شود، لذا دولت نمی‌تواند بدین عنوان که وقوع جرمی باعث بی‌نظمی و تزلزل امنیت عمومی شده است، از متهم خسارت معنوی عموم را بخواهد؛ زیرا کیفرهایی که در قانون مجازات پیش‌بینی می‌شود برای حمایت عموم و جبران ضرری است که ارتکاب جرم برای جمع به وجود می‌آورد. حال اگر دولت بتواند از بابت ضرر جمعی پولی از مجرم بگیرد، در واقع بر کیفر قانونی او افزوده است.^۱

این دیدگاه مشابه دیدگاهی است که در حقوق فرانسه مطرح گردید، در انتقاد به نظر اخیر باید توجه داشت اقامه دعوی کیفری و مجازات چنین افرادی با مسئله جبران خسارت مادی یا معنوی متفاوت است. بر فرض اینکه مجرم به اتهام توهین به قشر معلمان حبس یا محکوم به جزای نقدی شود، جبران خسارت و از بین بردن آثار آن و در صورت امکان پرداخت خسارت مادی با دعوی کیفری حاصل نخواهد شد و پذیرش امکان جبران خسارت جمعی با توجه به قواعد عام مسئولیت مدنی ارجح است. ضمن اینکه باید توجه داشت در بسیاری از موارد می‌توان گفت در مورد اشخاص حقوقی عمومی منافع شخصی با منافع عمومی مخلوط می‌شود و این منافع ضمن اینکه در زمره منافع عمومی است، جزء منافع شخصی دولت نیز می‌باشد و از این حیث دولت مکلف به اقامه دعوا شود.

۴- مصادیق ضررهای جمعی در قوانین موضوعه

در حقوق ایران، قوانینی که به صراحت به ضررهای جمعی پردازد، به چشم نمی‌خورد. البته در برخی مقررات جزایی^۲ به مصادیقی از اعمال اشاره شده است که منجر به ضررهای

۱. کاتوزیان، ناصر، پیشین، ص ۲۷۲.

۲. ماده ۶۸۸-۶۸۰ «قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵-مواد ۱۵ و ۱۶ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا-ماده ۱۰ قانون شکار و صید و...»

جمعی می‌شود. با توجه به کیفری بودن این قوانین صرفاً به مجرمانه بودن این اعمال اشاره شده و لذا موارد جبران خسارت زیان‌دیدگان تحت شمول این قوانین قرار نمی‌گیرد.

ضررهای ناشی از آلودگی محیط‌زیست از جمله مصادیق مهم ضررهای جمعی به حساب می‌آیند که مورد توجه نظام‌های حقوقی مختلف و اسناد بین‌المللی^۱ واقع شده است. با توجه به مباحثی که در مبحث مبانی مطرح گردید، حق بر محیط‌زیست را باید حقی مبتنی بر منافع عمومی دانست که در آن افراد جامعه به صورت جمعی از محیط‌زیست سالم بهره‌مند هستند. در حقوق ایران اصل ۱۴۵ قانون اساسی بهره‌برداری از محیط‌زیست را در راستای «مصالح عمومی» مجاز شمرده است. علاوه بر قانون اساسی، قوانین مختلفی در خصوص حفاظت از محیط‌زیست وجود دارد. اگرچه اکثر مقررات موجود در این زمینه مقررات کیفری هستند، اما با تصویب این قوانین نهادها و مراجع مختلفی نیز جهت حفاظت از محیط‌زیست ایجاد شده‌اند. با وجود اینکه در این حوزه قانون‌گذار جهت حمایت از حقوق محیط‌زیست دعاوی جمعی را پیش‌بینی نکرده، اما شاید بتوان با استناد به برخی مقررات پراکنده از جمله برخی اصول مندرج در قانون اساسی (اصل ۳۴، ۴۰ و ۴۵)، آیین‌نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و مؤسسات غیر تجاری مصوب سال ۱۳۳۷ و آیین‌نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های غیردولتی مصوب ۱۳۸۴، بر سمت سازمان‌های زیست‌محیطی در این دعاوی تأکید کرد. مطابق با ماده ۱۶ آیین‌نامه اخیر، سازمان حق دارد در موضوع فعالیت‌های خود و برای حمایت از منافع عمومی علیه اشخاص حقیقی و حقوقی در مراجع قضایی اقامه دعوا کنند. این ماده تنها ماده‌ای است که به سازمان‌های غیردولتی اجازه طرح دعوا به نام منافع عمومی می‌دهد.

در هر حال همان‌طور که در مباحث قبل بررسی شد، چنانچه این افراد امکان طرح دعوا علیه متخلفان را نداشته باشند و نهادهای دولتی هم تمایل به پیگیری این مسئله نداشته باشند، امکان اقامه دعوا از طرف سایر افراد یا نهادهای غیردولتی با دشواری روبه‌روست.

۱. در پیش‌نویس طرح سومین میثاق بین‌المللی حقوق همبستگی در ماده ۶۱ به این حق اشاره شده است: «هر انسان و همه انسان‌ها به صورت گروهی حق دارند از محیطی سالم و متعادل از نظر زیست‌محیطی و مساعد برای توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حقوقی برخوردار شوند.» در ماده ۶۰ نیز مقرر می‌دارد: «هر فردی که به‌حق او برای داشتن محیطی سالم و از نظر زیست‌محیطی متعادل تجاوز شود یا تهدیدی واقعی مبنی بر چنین تجاوزی در حق او وجود داشته باشد می‌تواند به‌طور مؤثر به مرجع ملی صالحه شکایت کند حتی اگر عامل تجاوز یا تهدید به تجاوز شخصی باشد که در حال انجام دادن وظایف قانونی خود است.»

برخی حقوقدانان به قانون ثبت علائم تجاری و قانون نشانه‌های جغرافیایی استناد کرده و معتقدند قانون‌گذار در دو مورد علائم جمعی^۱ و نشانه‌های جغرافیایی^۲ به جبران ضرر جمعی تصریح نموده است.^۳ در واقع در این مواد قانون‌گذار در خصوص سوءاستفاده از علامت جمعی مطابق با ماده ۴۱ و ۴۲ این قانون حق ابطال علامت و جبران خسارت برای ذینفع و در خصوص سوءاستفاده از نشانه‌های جغرافیایی مطابق با ماده ۲ قانون نشانه‌های جغرافیایی جلوگیری از اعمال زیان‌بار پیش‌بینی نموده است. این موارد اگرچه مصداق بارزی از ضررهای جمعی محسوب می‌شوند اما با توجه به فقدان شخصیت حقوقی جمع، در عمل مسئله اصلی در ضررهای جمعی که همان جبران خسارت زیان‌دیدگان است با مشکل مواجه خواهد شد؛ زیرا اگرچه در صورت اقامه دعوای جلوگیری از اعمال ناروا و حق ابطال علامت، سایر اشخاص ذینفع (کسانی که اقامه دعوا نکرده‌اند) هم سهم خواهند بود اما پرداخت خسارت به افراد، نیازمند اقامه دعوای فردی و اثبات ارکان مسئولیت مدنی خواهد بود. به نظر می‌رسد پیش‌بینی دعوای جمعی در این موارد می‌تواند در جهت احقاق حقوق افراد به نحو مؤثرتری عمل نماید.

۵- شیوه‌های جبران ضررهای جمعی

یکی از مسائل بحث‌برانگیز ضررهای جمعی، نحوه جبران این ضررها به‌ویژه در ضررهای مادی است. با توجه به شیوه‌های جبران موجود در قواعد عام مسئولیت مدنی و با توجه به ویژگی این ضررها شیوه‌های زیر قابل طرح است:

۱-۵- دادن بدل

۱. طبق بند ب ماده ۳۰ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۳، علامت جمعی یعنی هر نشان قابل‌رؤیتی که با عنوان علامت جمعی در اظهارنامه ثبت معرفی شود و بتواند مبدأ و یا هرگونه خصوصیات دیگر مانند کیفیت کالا یا خدمات اشخاص حقیقی و حقوقی را که از این نشان تحت نظارت مالک علامت ثبت شده جمعی استفاده می‌کنند متمایز سازد.

۲. مطابق ماده ۱ قانون حمایت از نشانه‌های جغرافیایی، نشانه جغرافیایی نشانه‌ای است که مبدأ کالایی را به قلمرو، منطقه یا ناحیه‌ای از کشور منتسب می‌سازد، مشروط بر این که کیفیت و مرغوبیت، شهرت یا سایر خصوصیات کالا اساساً قابل انتساب به مبدأ جغرافیایی آن باشد.

۳. سلطانی نژاد، هدایت الله، «بررسی تطبیقی جبران زیان جمعی در نظام حقوقی کامن‌لو و فرانسه و ایران»، پیشین، ص ۱۱۴.



اصولاً در ضررهای مادی، جبران خسارت به صورت اعاده مال و در صورت عدم امکان، دادن بدل یا مثل یا قیمت است. اگرچه قانون مدنی در این خصوص ساکت است، با وجود این با استناد به ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی که طریق جبران در اختیار قاضی است، رویه قضایی می‌تواند نسبت به اتخاذ شیوه‌های مناسبی در این مورد اقدام نموده و با توجه به نوع ضرر راهکار مناسبی برای اعاده حالت پیشین زیان‌دیدگان در نظر بگیرد.

به‌عنوان مثال در مورد خسارات وارده بر محیط‌زیست در موردی که شخصی تعداد زیادی از درختان را تخریب نموده، دادگاه می‌تواند علاوه بر محکومیت جزایی، مجرم را به کاشت درختان و نگهداری از آن‌ها محکوم کند. نمونه‌های نادری از چنین احکامی در رویه قضایی نیز دیده می‌شود.^۱ چنین احکامی ضمن جبران ضرر وارد شده، می‌تواند به‌عنوان عامل بازدارنده نیز عمل نماید. به نظر می‌رسد سایر قضات نیز می‌توانند با استناد به ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی و متناسب با اوضاع و احوال با صدور آراء مشابه در موارد دیگر در رشد و توسعه نظام حقوقی گام بردارند. ماده ۶۰ قانون علائم تجاری نیز به قاضی در انتخاب جبران حق انتخاب داده است.

پرداخت پول روش رایج جبران ضرر است. یکی از مشکلات جبران‌های مالی برای ضررهای جمعی مسئله چگونگی تقویم چنین ضررهایی است. به‌عنوان مثال در فرض آلودگی محیط‌زیست، در بسیاری از موارد مقدار خسارت مالی قابل اندازه‌گیری نیست. اگرچه در قوانین جزایی جدید در خصوص برخی از مصادیق ضررهای جمعی، مانند تجاوز به محیط‌زیست، ضمانت اجرای کیفری وجود دارند،^۲ اما پرداخت پول به‌عنوان جبران در قوانین پیش‌بینی نشده است. با وجود این به نظر می‌رسد در صورتی که بتوان میزان ضرر وارد شده را به نحوی ارزیابی کرد در جبران ضرر نباید تردید کرد. اگرچه در خصوص امکان جبران پولی خسارات معنوی، چه در ضررهای جمعی و چه فردی اختلاف نظرهایی وجود دارد^۳ و معمولاً در خسارات معنوی جبران‌های مالی مورد اقبال قانون و رویه قضایی قرار نگرفته و عموماً توجه به طرق دیگری از قبیل عذرخواهی است، اما در خصوص ضررهای مادی چنین ممنوعیتی

۱. شماره دادنامه: ۹۵۰۹۹۷۱۷۱۰۱۰۹۶۰ شعبه ۱ دادگاه تجدیدنظر گلستان.

۲. تبصره ۲ ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ و ماده ۹ قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست مصوب ۱۳۵۳.

۳. کاتوزیان، ناصر، پیشین، ص-۲۵۷.

وجود ندارد. به عنوان مثال در فرض آلودگی محیط زیست یک منطقه از طرف کارخانه‌ای که بهداشت و سلامت عموم به خطر انداخته است، علاوه بر جلوگیری از استمرار فعالیت زیان‌بار، می‌توان هزینه‌های درمان و معالجه اهالی آن منطقه را با پرداخت مبلغی مقطوع جبران کرد. در صورتی که برخی از افراد این جمع نیز ادعای خسارت مازاد بر این مبلغ داشته باشند، می‌توانند دعوای فردی در خصوص مازاد اقامه نمایند.

مطالبه ضرر و زیان در ماده ۲ قانون نشانه‌های جغرافیایی و ماده ۶۰ قانون علائم تجاری را می‌توان در راستای این نوع جبران دانست.

در حقوق فرانسه در دعوای گروهی امکان اقامه دعوا فقط برای ضررهای مادی وجود دارد و در ضررهای معنوی فقط حق اقامه دعوای فردی وجود دارد.^۱ در حقوق آمریکا در دعوای جمعی در اکثر موارد مطالبه ضرر مادی مطرح است؛ اما همان‌طور که اشاره شد، دعوای جمعی دقیقاً معادل ضرر جمعی نیست و عمدتاً پرداخت خسارت مادی در این دعوای در فرضی است که به تعداد کثیری خسارت وارد می‌شود.

۲-۵- قطع آثار ضرر به وسیله از بین بردن منشأ آن

در ضررهای جمعی، به خصوص ضررهای معنوی که به گروه‌های دارای شخصیت حقوقی وارد می‌شود، گاهی امکان دادن عوض و پرداخت پول وجود ندارد. به عنوان مثال، زمانی که رسانه یا اشخاصی با انتشار مطالبی حیثیت حرفه خاصی را زیر سؤال می‌برند، بهترین راهکار آن است که از تداوم زیان‌بار جلوگیری شود. به عنوان مثال اگر فیلم یا سریالی در حال پخش است، نسبت به اقامه دعوا و درخواست صدور دستور موقت جهت توقف پخش آن اقدام شود. همچنین می‌توان عامل ضرر را مکلف کرد تا آثار ضرری را که به بار آورده از ذهن مخاطبان از بین ببرد. الزام به عذرخواهی یا الزام به ساخت فیلم در این خصوص می‌تواند از جمله راهکارهایی مورد نظر باشد.

ماده ۲ قانون نشانه‌های جغرافیایی با اشاره به جلوگیری از اعمال زیان‌بار و ماده ۶۰ قانون علائم تجاری با اشاره به صدور دستور جلوگیری از نقض حقوق یا نقض قریب‌الوقوع حقوق

۱. Day, Jones, Class Actions in France: Coming Soon (2013) p.2.

می تواند مصداقی از این جبران ها باشد.

نتیجه گیری

محور اصلی این مقاله مطالعه ضررهای جمعی است. آنچه باعث تفاوت این ضررها از ضررهای شخصی می شود این مسئله است که این نوع از ضررها چنان منتشر است که هیچ کس به تنهایی نمی تواند مدعی باشد که زیان دیده اصلی است. همان طور که در بررسی ها روشن گردید جهت تحقق چنین ضرری وجود جمع یا گروه ضرورت دارد. چراکه این نوع ضرر به طور مستقیم بر جمع وارد می شود و امکان دارد اعضای جمع بالفعل زبانی ندیده باشند و لذا تنها جمع حق درخواست زیان را دارد. همچنین در ضرر جمعی به ویژه در مورد انجمن ها اصولاً اقامه دعوا برای جبران ضرر معنوی است.

نظام حقوقی ایران در خصوص مطالبه جبران ضررهای جمعی با خلاء قانونی مواجه است. در رویه قضایی هم آراء قابل توجهی که بتواند مبنای مطالبه و جبران این گونه ضررها قرار گیرد، به چشم نمی خورد. در حالی که ضرر جمعی، ضرری است محقق و مسلم که مطالبه آن منطبق با قواعد حقوقی است و با توسل به قواعد عام مسئولیت مدنی و قاعده لا ضرر باید از ضرورت جبران ضررهای جمعی دفاع نمود و نا محصور بودن زیان دیدگان نباید موجب از بین رفتن حق مطالبه خسارت شود. از این رو ضرورت وضع قوانینی کارآمد در این راستا به وضوح احساس می شود.

مسئله جبران ضررهای جمعی به ویژه از این حیث واجد اهمیت است که معمولاً چنین ضررهایی در سطح کلان مطرح بوده و اکثریت عاملان ضرر اشخاص قدرتمند هستند و حتی ممکن است دولت خود پدید آورنده ضرر جمعی باشد. این مسئله به ویژه در بحث حمایت از حقوق محیط زیست مطرح است. از این رو وضع قوانین جامع در خصوص جبران ضررهای جمعی و پیش بینی روش های متناسب ضروری به نظر می رسد.

با توجه به مبانی پذیرفته شده در حقوق ایران نویسندگان حقوقی عمدتاً بین فرضی که جمع دارای شخصیت حقوقی مستقل نیست و فرضی که شخصیت حقوقی مستقلی وجود دارد، قائل به تفکیک شده اند. در فرض اول امکان اقامه دعوا وجود ندارد؛ زیرا هیچ گونه نمایندگی از ناحیه اعضای جمع برای اقامه دعوا اعطا نشده است؛ اما در فرض دوم میان اشخاص حقوقی



مختلف قائل به تفکیک شده و صرفاً در مورد شرکت‌های تجاری و انجمن‌های صنفی که محدود به گروه‌های محدودتر و آرمان‌های خاص‌تر هستند، حق مطالبه از طرف جمع وجود دارد.

در حقوق فرانسه نیز سیر قانون‌گذاری حاکی از پذیرش این نوع ضررها به صورت محدود و صرفاً در خصوص گروه‌هایی است که قانون‌گذار چنین حقی را برای آنها به رسمیت شناخته است.

در مقابل در نظام حقوقی آمریکا شناسایی دعاوی جمعی توانسته است تا حد زیادی مشکلات اقامه دعوای در خصوص ضررهای جمعی را حل نماید و پذیرش این دعاوی جمعی به عنوان یکی از ابزارهای کارآمد شکلی، در احقاق حقوق زیان دیدگان مؤثر باشد.

منابع

فارسی و عربی

- باریکلو، علیرضا، مسئولیت مدنی، (تهران: میزان، ۱۳۸۹).
- پروین، فرهاد، خسارت معنوی در حقوق ایران، (تهران: ققنوس، ۱۳۸۰).
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۳، (تهران: گنج دانش، ۱۳۸۶).
- حبیبی، محمدحسین، «حق برخورداری از محیط زیست سالم به عنوان حق بشریت»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۶۰ (۱۳۸۲).
- راسخ، محمد، فائزه عامری، «رویکرد نظری به مفهوم حق نسل سوم» پژوهش حقوق عمومی، شماره ۳۹، (۱۳۹۲).
- رضانی قوام آبادی، محمدحسین، «بررسی محتوای اصل مشارکت در حقوق بین الملل محیط زیست» پژوهش حقوق سیاست شماره ۲۸، (۱۳۸۹).
- _____، جواد جوادی، «مطالعه تطبیقی گستره مفهوم ذینفع در اقامه دعاوی زیست محیطی در حقوق ایران و اتحادیه اروپا»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، شماره ۴ (۱۳۹۵).
- ژوردن، پاتریس، اصول مسئولیت مدنی، ترجمه مجید ادیب، (تهران: میزان، ۱۳۸۵).
- سلطانی نژاد، هدایت الله، «بررسی تطبیقی جبران زیان جمعی در نظام حقوقی کامن لو و فرانسه و ایران»، پژوهش حقوق تطبیقی، شماره ۱ (۱۳۹۵).
- سلطانی نژاد، هدایت الله، مسئولیت مدنی-خسارت معنوی، (تهران: نورالثقلین، ۱۳۸۰).
- سنهوری، عبدالرزاق احمد، دوره حقوق تعهدات، ترجمه مهدی دادمرزی و محمدحسین دانش کیا، ج ۲، (قم: انتشارات دانشگاه قم، ۱۳۸۴).
- شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، ج ۱، (تهران: دراک، ۱۳۸۴).
- صفایی، حسین و حبیب الله رحیمی، مسئولیت مدنی، (تهران: سمت، ۱۳۸۹).
- قهرمانی، نصرالله، مسئولیت مدنی و کیل دادگستری، (تهران: نسل نیکان، ۱۳۸۴).
- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، ج ۱، (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۶).
- _____، فلسفه حقوق، ج ۳، (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۰).
- کریمی، عباس، آیین دادرسی مدنی، (تهران: مجد، ۱۳۸۶).

- کوشه، ژرالد، لانگلدن، جان، لبو، دانیل، آیین دادرسی مدنی فرانسه، ترجمه احمد علی هاشمی، (تهران: دادگستر، ۱۳۹۱).
- لوراسا، میشل، مسئولیت مدنی، ترجمه محمد اشتری، (تهران، نشر حقوقدان، ۱۳۷۵).
- مامقانی، ملاعبدالله بن محمد حسن، *نهایه المقال فی تکمله غایه الآمال*، (قم، مجمع الذخائر الإسلامیه، ۱۳۵۰).
- مولودی، محمد، بیژن حاجی عزیزی و ناهید صفری، «مطالعه حقوق فرا فردی مبنایی برای دعاوی جمعی»، *تحقیقات حقوقی*، شماره ۷۵ (۱۳۹۵).
- قاری سید فاطمی، سید محمد، «تحلیل مفاهیم کلیدی حقوق بشر معاصر حق، تعهد، آزادی، برابری و عدالت» *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۳۳-۳۴ (۱۳۸۰).

English Sources

- Anderson, Brian & Trask, Andrew, *The Class Action Play book*, (New York: oxford university press, 2010).
- Carla Calvo Mañosa, «Goup Rights and individual rights: Can they coexist? » Reseach Fellow, Report, 2014.
- Cerutti, Guillaume & Guillaume, Marc, *Rapport sur l'Action de Groupe*, 2005.
- Day, jones, «Class actions in France: coming soon», 2013.
- Gidi, Antoni, «Class Actions in Brazil—A Model for Civil Law Countries», *American Journal of Comparative Law*, Vol 51 (2003).
- Guinchard, Serge, *L'action de groupe en procedure civile française*, vol 42, (Revue Internationale de droit comparé. 1990).
- Jones, Peter, Group Rights, Entry in the Stanford Encyclopedia of Philosophy, 2008.
- Magnier, Véronique, *Class Actions, Group Litigation & Other Forms of Collective Litigation*, Protocol for National Reporters, France, 2006.
- Mattil, Peter & Desoutter, Vanessa, «Class action in Europe: Comparative Law and EC law considerations», *Butterworths Journal of International Banking and Financial Law* (2008).
- Mulheron, Rachel, *The Class Action in Common Law Legal System: A Comparative Perspective*, (Oxford – Portland Oregon:, Hart Publishing, 2004).
- Sivignon, Jacques & Xavier. Nyssen, «The International Comparative Legal Guide to Class and Group Actions», *Global Legal Group* (2009).
- Stuyck Jules et al, *An Analysis and Evaluation of Alternative Means of Consumer Redress Other than Redress through Ordinary Judicial Proceedings, Final Report. The Study Centre for Consumer Law – Centre for European Economic law*, 2007.